



نیود چرخش مدیریتی می تواند باعث بروز چالش‌های اساسی در سازمان مدیریتی کشور شود

## نوسازی؛ نیاز امروز نظام

## مدیریتی کشور

۱۰



ماهواره ایرانی «نور ۲» توسط ماهواره‌بر قاصد که آن هم ساخت ایران است در مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین قرار گرفت

## نور جدید ایران در مدار لئو

۱۱



تعدادی از شهروندان در گفت‌وگو با همشهری از وضعیت جابه‌جایی مسافر در روزهای بارانی و پرترافیک پایتخت صحبت کردند

## آماده‌باش برای نجات از ترافیک

۱۲

# همیشه یک جامعه



عکس-همشهری/امیر پناهنجو

# تهران از طبقه وسط تهی می شود

کوچ طبقه متوسط از مرکز چه دلایلی دارد و تبعات آن برای پایتخت چیست؟

## گزارش نگار حسینخانی روزنامه‌نگار

می‌گویند فقر، ابتدا نظام طبقاتی هر جامعه‌ای را نشانه می‌رود و در این میان، طبقه متوسط است که در هر تغییر و تحولی ضربه‌پذیرتر است و جایگاه دو طبقه فرادست و فرودست خود را در آمارها بالا و پایین می‌کند. به‌عبارت دیگر، همواره بحران‌های اقتصادی طبقه فرودست را فریبه‌تر می‌کند و جمعیتی که به

این طبقه افزوده می‌شود، جمعیتی است که

از طبقه متوسط کاسته شده است.

نخستین زنگ خطر جدی برای انقباض طبقاتی طبقه متوسط در ایران، چند سال پیش به صدا در آمد؛ وقتی که مجمع جهانی اقتصاد در گزارشی با عنوان «گزارش جامع رشد و توسعه ۲۰۱۵» اعلام کرد که طبقه با درآمد متوسط در ایران کوچک شده و بر این اساس، ایران که تا آن زمان طبقه با درآمد متوسط نسبتاً بزرگی را در خود جای داده بود (۳۴درصد) طی سال‌های منتهی به انتشار آن گزارش، بر مبنای متوسط استاندارد‌های زندگی، از تعداد افراد طبقه متوسط آن کاسته شده است. البته خبر تازه‌ای نبود، اما خوب این بار مجمعی جهانی هشدار را مخابره کرده بود. همه شاخص‌ها و آمارها نشان می‌دهد که وضع نسبت به ۷سال پیش که این گزارش منتشر شد، برای طبقه متوسط بغرنج‌تر شده است.

۳،۲ سالی است که جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان بنا بر آمارهای ارائه‌شده از سویه جدید تبعات این کوچک‌شدن در مهاجرت از مرکز به شهرک‌های حاشیه‌ای و حتی شهرستان هاست، می‌گویند. مهاجرت از مرکز، چه به شکل مهاجرت معکوس و چه مهاجرت به‌طور اعم، تازه‌ترین سویه حمله فقر به بدنه متوسط نیست؛ چنانچه در همین مدت، گزارش‌های عجیبی از شیوه‌های زیستی غربی در تهران مانند اتوبوس‌خوایی و پشت‌بام‌خوایی نیز منتشر شده است، اما حتی اگر این سویه، تازه‌ترین آسیب متوجه طبقه متوسط نباشد، یکی از پرتبعات‌ترین آنها می‌تواند باشد. بدیهی است خروج طبقه متوسط از مرکز، منجر به از دست دادن دامنه اثرگذاری خود می‌شود و این همان نکته‌ای است که اخیراً جامعه‌شناسی چون تقی آزاد ارمکی با تأسی به آن، نسبت به تبعات تعارض طبقاتی فزاینده‌ای که آینده جامعه را به مخاطره می‌اندازد، هشدار داده است.

**تبعات طبقاتی کاهش جمعیت طبقه متوسط**
اما کوچ طبقه متوسط از تهران، جز تعارض طبقاتی، چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟ شهلا کاظم‌پور، جمعیت‌شناس مانند همه

جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان، توسعه را منوط به برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌داند و نابرابری در آمد و هزینه‌ها را مهم‌ترین عامل این نابرابری معرفی می‌کند که طبعاً جمعیت را از مرکز می‌کوباند: «در این نابرابری، فقیرها فقیرتر و اغنیا غنی‌تر می‌شوند. اینگونه است که تهران در آینده‌ای که فقرا در پایین شهر و اغنیا در بالای شهر. تضعیف اقتصادی طبقه متوسط، این شکاف جمعیتی و طبقاتی را ایجاد کرده و همینطور به فاجعه نزدیک می‌شویم.»

کوچ طبقه متوسط به حاشیه‌ها، در حالی در سال آینده نیز روند صعودی خود را ادامه خواهد داد که چندی پیش مدیرکل حرم شهرداری تهران اعلام کرده بود اگر از تشکیل کانون‌های جمعیتی در حرم شهر تهران جلوگیری نشود، تا سال ۱۴۰۴ یعنی کمتر از ۴سال دیگر، حدود ۲۰درصد جمعیت ایران در حرم شهر تهران ساکن خواهند شد. علیرضا صادقی گفته بود از آنجا که حرم شهر تهران ۰،۴ مساحت کشور را تشکیل می‌دهد، سکونت ۲۰درصد جمعیت کشور در این مساحت، یک «فاجعه بزرگ» است و «مشکلات عدیده‌ای» برای پایتخت به همراه دارد.

حالا کاظم‌پور از انقباض پنهان طبقه متوسط می‌گوید به این معنا که کوچک‌شدن طبقه متوسط در کلانشهرها شاید در نگاه اول به چشم نیاید، اما مهم‌ترین تبعات آن در وهله نخست، حاشیه‌نشینی فرهنگی و اجتماعی است: «اسلامشهر ۵۰هزارنفری، حلالی‌باش از ۸۰۰هزارنفر جمعیت دارد؛ شهری در حاشیه

## متوسط هزینه کل یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۹، رقمی معادل

**۶۲میلیون و ۱۳۹هزار و ۲۰۰تومان**

## اعلام شده بود. همین آمار، میزان درآمد را ۷۴میلیون و ۶۷۶هزار

## تومان اعلام کرده بود. از سوی

## دیگر، بنا بر گزارش و بررسی سازمان

## تأمین اجتماعی، متوسط خط فقر

## در سال ۱۴۰۰ حدود ۷میلیون تومان

## در ماه اعلام شده بود و با این

## حال به نظر می‌رسید این رقم برای

## شهرهای بزرگ عددی بیش از این و

## در حدود ۱۰میلیون تومان باشد

تهران، که جمعیتش یا طبقه متوسط کوچیده از تهران است یا کسانی که به امید زندگی در پایتخت آمدند و نهایتاً نتوانستند به تهران برسند و آنجا منزل گزینند. چنین وضعی، جز عواقب طبقاتی و اقتصادی به دلایل زیست‌محیطی نیز آسیب‌زاست. گسترش شهرهای حاشیه تهران، سبب شده ریه‌های تهران بسته شود. ساخت‌وساز بی‌رویه در حاشیه، جلوی جابه‌جایی هوا را گرفته و تهران را آلوده‌تر کرده است. مشکل آب و فاضلاب هم از همین عوامل است.»

او از گسترش آسیب‌های اجتماعی در حاشیه‌ها، به‌عنوان عاملی دیگر در کوچ طبقه متوسط از مرکز یاد می‌کند: «در همه جای دنیا، حاشیه‌ها مبتلا به آسیب‌های بیشتری هستند. نظارت‌های اجتماعی با افزایش جمعیت حاشیه‌ها، کم و کمتر می‌شود و کنترل را سخت‌تر می‌کند. از این روست که شاهد افزایش رفتارهای پرخطر زیرزمینی در حاشیه‌ها هستیم.»

## چه عواملی طبقه متوسط را از تهران فراری می‌دهد؟

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار از معلول‌های تورم مشخص کرد اجاره مسکن در کل کشور رتبه سوم تورم ماهانه کالاها و خدمات را در دی‌ماه ۱۴۰۰ به‌خود اختصاص داده است. بنا بر اعلام بانک مرکزی در آذرماه‌امسال نیز نرخ رشد سالانه اجاره‌بها در کل کشور ۵۵٫۴درصد از آذر تا در شهر تهران ۵۵٫۱درصد بود. از آذر تا دی‌ماه نیز طبق گزارش مرکز آمار، اجاره‌بها ۴۶درصد افزایش یافته که همین امر سبب شده پس از دخانیات و غلات، بازار اجاره رتبه سوم تورم ماهانه را به‌خود اختصاص دهد.

اتفاق دیگری که در ماه‌های اخیر مشاهده می‌شود افزایش حجم واحدهای خالی از سکنه در شمال تهران است که کارشناسان معتقدند به‌دلیل کاهش توان مالی مستأجران، کوچ طبقاتی گسترده در پایتخت فزونی یافته است. بدین صورت که اجاره‌نشین‌ها از شمال به مرکز تهران، از مرکز به جنوب و از جنوب به حومه منتقل شده‌اند. بنا بر این، تورم قیمت خرید و اجاره‌بها که پیش‌بینی می‌شود در سال آینده نیز بین ۲۵ تا ۳۰درصد افزایش را تجربه کند، همچنان در سال آینده نیز یکی از مهم‌ترین دلایل کوچ طبقه متوسط از تهران به حاشیه‌ها خواهد بود.

گران شدن مسکن، شاید سال آینده نیز ویرینی‌ترین و به‌چشم‌آمدنی‌ترین عامل کوچ از تهران به‌حساب بیاید، اما بی‌تردید تنها عامل نیست. شهلا کاظم‌پور که دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران است، تأمین هزینه‌های مسکن را به‌عنوان عمده‌ترین عامل کوچ طبقه متوسط از تهران عنوان می‌کند. با این حال او در گفت‌وگو با همشهری این

## اسلامشهر ۵۰هزارنفری، حالیش

## از ۸۰۰هزارنفر جمعیت دارد؛ شهری

## در حاشیه تهران، که جمعیتش یا

## طبقه متوسط کوچیده از تهران

## است یا کسانی که به امید زندگی در

## پایتخت آمدند و نهایتاً نتوانستند به

## تهران برسند و آنجا منزل گزینند.

## چنین وضعی، جز عواقب طبقاتی و

## اقتصادی به دلایل زیست‌محیطی

## نیز آسیب‌زاست

مهاجرت را یکسره منفی نمی‌داند و معتقد است اگر این مهاجرت، مدیریت‌شده باشد، می‌تواند به مرکزیت‌زدایی و کاهش تراکم جمعیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی بینجامد اما «نه پیش و نه پس از انقلاب ما با چنین کنترلی مواجه نبوده‌ایم. روند مهاجرت به تهران، همواره افزایشی بوده و بسیار بیشتر از آنها که می‌روند، می‌آیند؛ هم جمعیتی که می‌رود به مدیریت نیباد دارد و هم جمعیتی که می‌آید.»

او از جمله استناداتی است که به دانشجویانش همواره پیشنهاد می‌دهد پس از اتمام تحصیل به شهرهای خود بازگردند و کارآفرینی کنند: «به آنها می‌گویم تهران برای زندگی و رشد جوان‌ها جای مناسبی نیست. اگر آنها برگردند، سبب‌ساز برقراری توسعه برابر در استان‌ها هم می‌شوند.»

## هزینه‌ها و در آمد طبقه متوسط در سال ۱۴۰۰

براساس تازه‌ترین مصوبه شورای عالی کار، سبب معیشت خانوار کارگری ۸۹میلیون و ۷۹۸هزار و ۲۰۰ریال برای خانوار میانگین کارگری یا ۳٫۲نفر در ماه تعیین شده است. در سبب معیشت خانوار کارگری اقسام خوراکی به‌میزان ۲۲میلیون و ۸۶۶هزار و ۴۳ریال و اقلام غیرخوراکی شامل هزینه مسکن، درمان، آموزش، پوشاک، فرهنگی و تفریحی به میزان ۶میلیون و ۹۲۲هزار و ۶۲ریال در نظر گرفته شده است. این اطلاعات مربوط به اعلام دی‌ماه سال جاری از سوی مرکز آمار ایران است. اختلاف این رقم با سال گذشته ۲۰میلیون و ۸۴۷هزار و ۰۹ریال است. البته باید توجه کرد که این آمار، مبتنی بر میانگین کشوری است و طبعاً این سبب‌معیشتی در تهران، رقم بالاتری را شامل می‌شود. متوسط هزینه کل یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۹، رقمی معادل

۶۲میلیون و ۱۳۹هزار و ۲۰۰تومان اعلام شده بود. همین آمار، میزان درآمد را

۷۴میلیون و ۶۷۶هزار تومان اعلام کرده بود. از سوی دیگر، بنا بر گزارش و بررسی

سازمان تأمین اجتماعی، متوسط خط فقر در سال ۱۴۰۰ حدود ۷میلیون تومان در ماه

اعلام شده بود و با این حال، ناظر می‌رسید

این رقم (برای قرار گرفتن در بالای خط فقر

در سال ۱۴۰۰ منتشر شدند در طبقه متوسط) برای

شهرهای بزرگ عددی بیش از این و در حدود

۱۰میلیون تومان باشد. مرکز آمار ایران هنوز

آمار مربوط به سال ۱۴۰۰ را منتشر نکرده، با

این حال، دیگر آمارها و اظهارنظرها، نشان

از کف هزینه ۱۲میلیونی برای یک خانوار

شهری در سال ۱۴۰۰ بوده است. هیچ آمار

مشخصی از میانگین درآمد طبقه متوسط در

سال ۱۴۰۰ منتشر نشده است. با این حال نظر

به‌گسترش جمعیت طبقه فرودست و کاهش

جمعیت طبقه متوسط نشان‌دهنده این است

که افراد طبقه متوسط ساکن در کلانشهرها

از جمله تهران، نتوانسته‌اند به میانگین درآمد

۱۲میلیون تومان در ماه (متناسب با کف

هزینه ۱۲میلیونی) برسند. بنا بر پیش‌بینی‌ها،

سال آینده این رقم با ۲۵درصد افزایش رو به‌رو

می‌رود به مدیریت نیباد دارد و هم جمعیتی

که می‌آید.»

او از جمله استناداتی است که به دانشجویانش

همواره پیشنهاد می‌دهد پس از اتمام تحصیل

به شهرهای خود بازگردند و کارآفرینی

کنند: «به آنها می‌گویم تهران برای زندگی

و رشد جوان‌ها جای مناسبی نیست. اگر آنها

برگردند، سبب‌ساز برقراری توسعه برابر در

استان‌ها هم می‌شوند.»

## عقدبازی

## ۱۲،۵میلیون



نفر جمعیت فقیر ایران در سال ۱۳۹۰ است که

به حدود ۲۳میلیون نفر

در سال ۱۳۹۹ رسیده

است؛ روند فقر در دهه ۹۰

صعودی بوده، به‌شکلی

که میزان فقر رقمی

حدود ۵۰٫۲۶درصد است و

جمعیت فقیر ۲برابر شده

است؛ کارشناسان مستقل

برآند که اوضاع از آنچه در

آمارهای رسمی منعکس

می‌شود وخیم‌تر است.

## یک سوم

درآمد سرانه در آمار دفتر

مطالعات رفاه اجتماعی

وزارت تعاون، کار و رفاه

اجتماعی نشان می‌دهد

که تا پایان دهه۹۰از

دست رفته است و در این

بازه زمانی میانگین رشد

اقتصادی در ایران یک

درصد، میانگین تورم

۱۸درصد و نرخ مشارکت

اقتصادی جمعیت

۴۳درصد بوده است.

در حالی که میانگین رشد

اقتصادی جهان ۳درصد،

میانگین تورم ۲درصد و

میانگین مشارکت اقتصادی

۶۴درصد بوده است.

## یک سوم

درآمد سرانه در آمار دفتر

مطالعات رفاه اجتماعی

وزارت تعاون، کار و رفاه

اجتماعی نشان می‌دهد

که تا پایان دهه۹۰از

دست رفته است و در این

بازه زمانی میانگین رشد

اقتصادی در ایران یک

درصد، میانگین تورم

۱۸درصد و نرخ مشارکت

اقتصادی جمعیت

۴۳درصد بوده است.

در حالی که میانگین رشد

اقتصادی جهان ۳درصد،

میانگین تورم ۲درصد و

میانگین مشارکت اقتصادی

۶۴درصد بوده است.

## ۲۸درصد

نرخ تورم در دهه ۱۳۹۰

تنها در ۹۵ و ۹۶

بوده است. در این گزارش

خط فقر در سال ۱۳۹۹

به‌طور متوسط برای هر

فرد یک میلیون و ۵۰

هزار تومان، میانگین هزینه

ماهانه خانوار ۴نفره شهری

۵میلیون و ۱۷۸هزار تومان

و میانگین هزینه سرانه

ماهانه خانوار روستایی

۲میلیون و ۸۲۹هزار تومان

درنظر گرفته شده است.

## ۲۸درصد

خانوارهای فقیر براساس

آمارها، یعنی حدود

۷،۵میلیون از تعداد

خانوارهای دریافت‌کننده

یارانه را تشکیل می‌دهند.

تعداد خانوارهای متوسط

حدود ۱۵،۵میلیون و تعداد

خانوارهای برخوردار حدود

۱،۵میلیون است. از میان

خانوارهای فقیر حدود

۲میلیون و ۴۰۰هزار خانوار

تحت پوشش نهادهای

حمایتی هستند حدود

۵میلیون خانوار تحت

پوشش هیچ نهاد حمایتی

نیستند.

## ۳ویژگی

خانوارهای فقیر این بوده

که تحت پوشش نهادهای

حمایتی باشند، در آمار

اول باشند یا فاقد درآمد

یک میلیون تومان داشت؛ یعنی

حداقل دریافتی مصوب در سال جاری تقریباً

۳میلیون و ۵۰۰هزار تومان بود. بعد از ارائه

لایحه بودجه ۱۴۰۱، کمیسیون تلفیق مجلس

پس از اتمام روند بررسی، سیدمحمدرضا

میرتاج‌الدینی، عضو کمیسیون تلفیق مجلس،

اعلام کرد که حداقل حقوق دریافتی کارکنان

دولتی ۳میلیون و ۶۰۰هزار تومان تعیین شده

است؛ این در حالی است که در این لایحه

بودجه، مدیران دولتی و استادان دانشگاه نیز

حداکثر می‌توانند تا سقف ۲۷میلیون تومان

در ماه حقوق دریافت کنند.

بدیهی است که نمی‌توان این حقوق را

به‌حساب حداکثر دریافتی طبقه متوسط

قرار داد و براساس آن به میانگینی بین

۵میلیون و ۶۰۰هزار تومان و ۳۷میلیون تومان

رسید؛ بنابراین باید برسد میانگین دریافتی

کارمندان در سال ۱۴۰۱، به رقم درآمد موردنیاز

( ۶میلیون و ۵۰۰هزار

تومان) خواهد رسید؛

پاسخ قطعاً منفی است.

## یادداشت ساناز فلاح‌زاده روانشناس

## مهاجرت و روان فرد

خالی شدن تهران از طبقه متوسط با

تبعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

خالی شدن تهران از طبقه متوسط بی‌شک تبعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی دارد که اشاره و پژوهش درباره آن به توجه و کوشش متخصصان علوم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیازمنداست. اما آنچه از منظر روانشناختی این امر را مورد توجه قرار می‌دهد، تأثیر هر یک از ابعاد موضوع مهاجرت بر روان افرادی است که به دلخواه یا بر اثر اجبار فشارهای اقتصادی تصمیم به این کار گرفته‌اند.

در حوزه روانشناسی سلامت، از استرس به‌عنوان دلیل اصلی همه بیماری‌های جسمانی و روانشناختی یاد می‌شود. در تعریف این اصطلاح قرار گرفتن فرد در موقعیت مبهم، خارج از کنترل و غیرقابل پیش‌بینی یا قدرت پیش‌بینی ضعیف، فرد را وادار به واکنش یا بی‌واکنشی می‌کند که خود تبعات مختلف و طبعاً آسیب‌زایی به همراه می‌آورد. مهاجرت به‌خودی‌خود پدیده‌ای است دارای بار روانی (استرس) فراوان. پس در مهاجرت هر فرد چه به اجبار و چه از روی انتخاب، چه به‌مکنی بهتر و چه به‌مکنی بدتر، به‌وجود آمدن آسیب روانی پدیده‌ای دور از انتظار نیست. پیش از آنکه تمرکز خود را بر خالی شدن تهران از قشر متوسط و تبعات روانشناختی آن بگذاریم، به تبعات معمول تغییر مکان زندگی، از جمله احساس ناتوانی، خودکشی، افسردگی، دلشوره (اضطراب ممتد و ملایم که تا حدودی بیشتر به‌علت طولانی بودن آن برای فرد آزاردهنده است)، کم‌خوابی یا بی‌خوابی، احساس ترس، انزوا و... می‌پردازیم. تعبیر مکان زندگی در واقع نوعی ترک یا شکستن عادت است. شاید در توضیح و تفسیر این مطلب بتوان به ضرب‌المثل مشهور «ترک عادت، موجب مرض است» اکتفا کرد. تغییر مکان زندگی جدا از عوامل اثرگذار بیرونی که